

# درباره نسخه‌های از

## شاهنامه فردوسی

### محفوظ در فلورانس

در بهار سال ۱۳۵۸، در محفله‌های ادبی تهران، سخن از نسخه‌های تازه‌یاب از شاهنامه فردوسی به میان آمد که مورخ ۶۱۴ هـ.ق است، و از کهنترین نسخه شاهنامه که در بریتیش میوزیوم است و تاریخ ۶۷۵ هـ. دارد، ۶۰ سالی کهنه‌تر. این نسخه نویافته مقدمه قدیم را دارد، و تنها جای دریغ آن است که نیمه نخستین شاهنامه است.

دیر نباید که دوره جدید مجله آینده به مدیریت استاد ایرج افشار در تابستان ۱۳۵۸ منتشر گردید. در نخستین دفتر این مجله - شماره‌های ۱ - ۳ / فروردین - خرداد ۱۳۵۸ شمسی - در بخش «نامه‌ها» نامه‌ای از آنجلو پیه‌مون‌تسه کاشف نسخه شاهنامه فلورانس به چاپ رسید که در آن آمده است:

«... آن نسخه عبارت است از مجلد اول شاهنامه فردوسی دارای ۲۲۰۰۰ (بیست و دو هزار) بیت و مورخ ۳۰ محرم سال ۶۱۴ هجری. پس قدیمترین نسخه معلوم شاهنامه می‌باشد و درست شصت سال قدیمتر از آن مشهور بریتیش موزه اوم. علاوه بر این نسخه فلورانس مقدمه‌ای نامعلوم هم دارد و از سر تا بُن در هر صفحه مذهب است... متن این شاهنامه اختلافات زیادی دارد نسبت به متن معلوم و منتشر و شاید بیش از یکصد بیت («نوین») یعنی نامعلوم دارد. خلاصه این نسخه خطی اگر چه کامل نباشد خیلی مهم است. حالا دارم گزارش دقیق حاضر می‌کنم که امسال چاپ خواهد شد ان شاء الله...»

آنجلو پیه‌مون‌تسه (رم)

«آینده» در معرفی کاشف شاهنامه در ذیل این نامه می نویسد:

«آنجلو پیه مونتسه از ایرانشناسان ایتالیایی است و متخصص در ادبیات فارسی. او تاریخ ادبیات فارسی را چند سال قبل در دو جلد منتشر ساخت. فارسی را روان صحبت می کند و به روانی می نویسد. این نامه نشانه‌ای است از تسلط او بر زبان فارسی. نام او در آینده به عنوان کاشف قدیمترین نسخه شاهنامه در کتابشناسیها و تحقیقات مربوط به فردوسی ضبط می شود. آینده»

در پاییز سال ۱۳۵۸ آقای پروفیسور پیه مونتسه به نامه‌ای که به مجله آینده نوشت بشارت داد که «... گزارش طولانی در بابت شاهنامه فلورانس نوشتم، و آن سال آینده در ناپل چاپ می شود.»

سرانجام در شماره خرداد - تیر ۱۳۵۹ مجله آینده، سال ششم، شماره‌های ۳ و ۴، گفتاری با این عنوان: «مقدمه شاهنامه مورخ ۶۱۴ و معرفی نامه پیه مونتسه از آن» منتشر گردید که در آن آمده:

«در شماره‌های سال قبل دو بار نامه‌های آقای پیه مونتسه ایرانشناس جوان ایتالیایی که معرف نسخه مورخ ۶۱۴ در کتابخانه شهر فلورانس است به چاپ رسید و امیدوار بودیم که از نوید آقای پیه مونتسه راجع به چاپ مقاله‌ای که در دست تهیه داشتند خوانندگان را باخبر سازیم. خوشبختانه مقاله ایشان تحت عنوان:

Nuova Luce Su Firdowsi uno Shahnama datato 614 H

در جلد چهارم مجله مشهور Annali نشریه مؤسسه شرقشناسی ناپل انتشار یافت (ناپل ۱۹۸۰). این مقاله در ۳۸ صفحه است با عکسهای متعدد از نسخه مورد سخن و هنوز مقاله دنباله دارد.

نویسنده در قسمتی از این مقاله به علت مخفی و مجهول ماندن این نسخه مهم در طول سالیان دراز پرداخته است و از جمله نوشته است که کتابداران به علت نا آشنا بودن با خط فارسی آن را تفسیری از قرآن معرفی کرده بودند. قسمتی از مقاله به معرفی نسخه اختصاص دارد و رقم کاتب را چنین نقل کرده اند:

«تمام شد مجلد اول از شاهنامه پیروزی و خرمی روز سه شنبه سیتم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده بحمدالله تعالی و حسن توفیقه و صلی الله خیر خلقه محمد و آله الطاهرين والظیین.»

قسمتی دیگر از مقاله معرفی بعضی یادداشتهای مالکین نسخه است. در این نسخه یادداشتی از محمداحی مورخ ۶۳۲ آمده است... پیه مونتسه قسمتی از مقاله را به بحث در مقدمه مشور این نسخه اختصاص داده است و بسیار کار بجایی کرده است... چون این

مقدمه در حدّ خود واجد تازگیهای بسیار است، آن را با اجازه آقای پیه‌مونتسه برای اطلاع علاقه‌مندان ایرانی نقل می‌کنیم.»  
 سپس مقدمه شاهنامه در صفحات ۲۰۸ تا ۲۱۳ مجله آینده به چاپ عکسی از چاپ آقای پیه‌مونتسه نقل می‌شود.

بررسی مقدمه نسخه تازه‌یاب شاهنامه فردوسی مایه تحیر و سرگستگی است. مضمون مقدمه، همان اشاره‌ها است که در مقدمه شاهنامه بایستقری آمده است، اما در این مقدمه، زبان کهنه‌تر باز نموده شده است. در سنجش این دو مقدمه به نکته‌هایی رسیده‌ام که به جای خود از آن گفتگو خواهم کرد.

در ضرورت دسترسی به عکسی از نسخه جای درنگ نبود، زیرا سالی چند بود که در کار آرایش و ویرایش متنی از شاهنامه فردوسی با دوستی شاهنامه‌شناس اهتامی می‌رفت. سرانجام عکس نسخه را فراهم آوردم. پیدا است که از عکس نسخه، جز محتوای آن، مجالی برای نسخه‌شناسی و مذاقه‌های دیگر نیست. ناگزیر می‌بایست به بررسی محتوای نسخه می‌پرداختم. در برگ ۷ عکس نسخه شاهنامه عنوانی آمده است که تازگی دارد (برابر ص ۲۱ چاپ مسکو، پس از بیت ۱۲۳):

«گفتار اندر آن که فردوسی این حکایت با نظم می‌کند اگر سخنی نامعقول باشد بر وی عیب نکنند که حکایت برین گونه بود.»

«...»

از او هر چه اندر خورد با خرد	دگر بر ره رمز معنی برد
تو این نامور نامه از نیک و بد	چنان دان که تصدیقش آرد خرد
سخن هست بعضی که معقول نیست	ولیکن مبر ظن که منقول نیست
اگر از پی خاص رفتی سخن	نبودی یکی حشو سر تا بین
وگر سر بسر بودی از بهر عام	شدی قصه ناچیز و گفتار خام
ازان طبع را نفرتی خاستی	بدو هر کسی دل بیاراستی
دران جهد کردم که تا نیک و بد	خردمند والا و اندک خرد
بیابند ازین نامه دلپذیر	ز معقول بهره ز منقول بیر
بنزدیک دانش‌وران روشنست	که حشو و دروغش نه جرم منست

«... الخ»

بیتهای الحاقی در این نسخه، در مقابله و سنجش با دیگر نسخه‌های شناخته‌معتبر، تردیدهایی در اصالت نسخه پدید آورد، تا جایی که برخی از دانشمندان، این نسخه را

در شمار نسخه‌های مجعول و بازساخته آن گروه مزوران سالهای ۲۰ تا ۴۰ دانستند که پرآوازه‌ترین آن، نسخه «اندرزنامه کاپوس» است که تاریخ کتابت ۴۸۳ هجری داشت، و دارای ۱۰۹ مجلس تصویر نیز بود، و در کنگره‌های جهانی ایرانشناسی درباره متن نسخه و تصویرهای بدیع آن سخنها گفته شد، تا سرانجام استاد دانشمند شادروان مجتبی مینوی در طی رساله‌ای به نام «کاپوسنامه فرای» تمرینی در فن تزویرشناسی، بقلم مجتبی مینوی استاد دانشگاه طهران، ایران، باهتمام هاگپ صرافیان. در چاپخانه پولیگراف افست، واقع در استانبول چاپ شد. ماه نوامبر ۱۹۵۶ میلادی» در باره جعلی بودن نسخه قابوس‌نامه، و نیز نسخه‌هایی دیگر که در آن سالها جااعلان به بازار عرضه کرده بوده‌اند آگاهیهای سودمند داد؛ و نیز آقای دکتر یارشاطر در مقدمه چاپ دوم «قابوسنامه. به اهتمام و تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی» - ۱۳۵۲ - در طی گفتار «نکته‌ای چند درباره متن نسخه جدید اندرزنامه (قابوس‌نامه)» توضیحاتی عالمانه آورد.

\*

در تابستان امسال - ۱۳۶۹ - آهنگ دیدار دخرتم، روشک، که در ایتالیا دانشجوی رشته پزشکی است، کردم. فرصتی مناسب بود که نسخه شاهنامه فلورانس را بینم. به پایمردی و سفارش لطف آمیز آقای دکتر محمود بروجردی مدیریت محترم مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، آقای پروفیسور پیه‌موتسه - کاشف نسخه شاهنامه که اینک رایزن فرهنگی ایتالیا در ایران است - نامه‌ای در معرفی من به کتابخانه نوشت، و من در روزهای ۲۱ و ۲۲ تیرماه از آن نسخه در کتابخانه ملی مرکزی فلورانس: BIBLIUTECA/NAZIONALE/CENTRALE/FIRENZE دیدن کردم.

در نخستین بررسی، تاریخ کتابت نسخه را بررسی کردم، و آن عبارت چنین است:

تمام شد مجلد اول از شاه‌نامه پیروزی و خرمی

روز سه‌شنبه سیتم ماه مبارک سال ششصد و چهارده

بحمدالله و حسن توفیقه

و صلی الله علی خیر خلقه محمد

و آله الطاهرين الطیبین

هر کس در اولین دیدار در می‌یابد که عبارت «تمام شد مجلد اول» به خطی ننویس است که پس از تراشیدگی عبارت اصلی، آن را بازنگاری کرده‌اند؛ و نونوستگی آن با مرتبگی تازه و خطی تقلیدی به وضوح تمام به چشم می‌آید. افزون بر آن «مه» در

تواریخ اودماز و چرخ	سرای چرخ بندد و رخ	کردن جهان منور زبان	از زمین است آید روان
خون مست نیتش بهر برکت	سوی یکی و یکمای کزای	جانرا کن دان و غزال بسو	باز آید کس بر زلف او کبر
که اندازد از چرخان	خبر و دنا بود کار جهان	جاسته از آید در جهان	سخن است کار جهان
ناباید از ز کمانه من	دین کند برده بلخ سخن	نزد ما کز نیند جز یک	ندان کند و ی یک از ک
کافانند که هر روز آید	بر دلانند نیا که آرد بیا	مخوش کشد با ما هر روز	چیزی در آید زمانه ببرد
بکوان برده چون تو دم	لا گویش بود و الا بر است	که ایله اولی و هر کس	لا گویش است و الا بلند
بمچار چون آیدانه شود	چو زمانه بخدا داده شود	جمله هر خرد گوید او شر	جمله هر خرد گوید او شر

**ایله خداوند پادشاه جهان**

خواهی بود از ستروانی	جمله را که بریم تا مر جاکت	دیده و ندیده تو بیاید	المالک که هر روز آید
کمان زمانه برسان	باز از یون کا من نوبه	نگار کرد او آری استان	بزرگ استان خطی ز یگان
	روز سه شنبه اول از شاه نامه پسر روزی		
	روز سه شنبه سیم ماه مبارک محرم سال ششم که دره		



محرمه عالی و هر روز  
 در روز سه شنبه اول از شاه نامه پسر روزی

**ایله خداوند پادشاه جهان**

**تواریخ اودماز و چرخ**

سرای چرخ بندد و رخ  
 خون مست نیتش بهر برکت  
 که اندازد از چرخان  
 ناباید از ز کمانه من  
 کافانند که هر روز آید  
 بکوان برده چون تو دم  
 بمچار چون آیدانه شود

جمله را که بریم تا مر جاکت  
 باز از یون کا من نوبه  
 روز سه شنبه اول از شاه نامه پسر روزی  
 روز سه شنبه سیم ماه مبارک محرم سال ششم که دره

دیده و ندیده تو بیاید  
 نگار کرد او آری استان

المالک که هر روز آید  
 بزرگ استان خطی ز یگان

ایله خداوند پادشاه جهان

تواریخ اودماز و چرخ  
 سرای چرخ بندد و رخ  
 خون مست نیتش بهر برکت  
 که اندازد از چرخان  
 ناباید از ز کمانه من  
 کافانند که هر روز آید  
 بکوان برده چون تو دم  
 بمچار چون آیدانه شود

کلمه «شاهنامه» با مرگب نو بازنویسی شده، و نیز «ی» کلمه «پیروزی»؛ کلمه «سه‌شنبه» را با مرگب تازه بازنوخته‌اند و جز دندانۀ نخستین «س» که با مرگب اصلی است، شستگی یا تراشیدگی کلمه «سه‌شنبه» کاملاً مشخص است.

گذشته از این، در پایان این نسخه و در ذیل عبارت تاریخ کتابت، عبارتها و بی‌تی شعر آمده است که در رسالهٔ معرفی آقای پروفیسور پیه‌مونتسه از این نسخه تشریح شده است.

در عبارتی که من به دستخط خود بازنوخته‌ام، نقاشی عینی آن عبارت را بازنموده‌ام تا خوانندهٔ نکته‌یاب گرامی را ادراکی بصری حاصل شود، چون عکس نسخه‌ای که در دست ما است چندان تیره و تار است که این نکته‌ها مشهود نیست و به چشم نمی‌آید:

طالعه العبد المذنب الحاج للی محمد اللہ دہلوی  
کتابخانه المظفر لیر علی المولی مدرسہ  
الواقف ہند الکتاب الامیر المرحوم المعصوم  
لیر اللہ چراغ مصحح لیر اللہ لیر  
کتاب اس محمد اکرم مدرسہ  
و لیر و سہمانہ و لیر لیر لیر و لیر لیر لیر  
الحاج الطاهر

● 1. Angelo Michele piemontese.

Nuova luce Su FirdAwwi:

uno "SHANAMA" Datato 614 H. 1217 A Firenze

Estratto da Annali dell'Istituto Oriental di Napoli volume 40 (N.S.X.X.X)

Istituto Orientale di Napoli 1980.

در این عبارت، تاریخی که آقای پروفیسور پیه‌مونتسه نقل کرده‌اند، ۶۳۲ هـ. ق است، و از این دستخط آشکارا پیدا است که سال آن تاریخ «اربع و ثلثین و سبعمانه» است، و به گمانم در تعرفه آقای پروفیسور اشتباهی چاپی روی داده باشد. زیرا اسلایدهای موجود در کتابخانه<sup>۱</sup> و نیز فهرست کتابخانه ملی مرکزی فلورانس که اخیراً چاپ شده است و صفحه آغازین و پایانی نسخه شاهنامه را به گونه‌ای نفیس و رنگی چاپ کرده‌اند<sup>۲</sup>، گواه درستی دستخط و قرائت من است.

\*

من با اینهمه نسخه شاهنامه فلورانس را نسخه‌ای کتابت شده از نسخه‌ای مورخ ۶۱۴ هـ. تلقی می‌کنم که آن نیز به جای خود بسیار مغتنم است؛ اما شیفتگی آقای دکتر جلال خالقی مطلق را که سالهایی چند است در کار آرایش متن شاهنامه فردوسی اهتمامی صمیمانه مبذول داشته، و ظاهراً دو دفتر از آن را منتشر ساخته، نسبت به این نسخه و اساس قرار دادن آن را شایسته نمی‌دانم، و از ایشان درمی‌خواهم که خود نسخه را از نزدیک بررسی کند.

در باب مقدمه این نسخه شاهنامه فردوسی، بررسی‌های من هنوز به نتیجه مطلوب نرسیده است، زیرا من درباره مقدمه‌های سه گانه شاهنامه فردوسی: مقدمه قدیم، مقدمه اوسط و مقدمه نو، یعنی مقدمه شاهنامه بایسنقری؛ یا به زعم استاد شادروان سعید نفیسی - در مقدمه حماسه ملی ایران از تنودور نولدکه. ترجمه بزرگ علوی. چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۲۷ - مقدمه‌های چهارگانه، مطالعاتی را آغاز کرده‌ام که امیدوارم حاصل آن را در دسترس دانشمندان و پژوهشگران بگذارم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۲. به روز نخستین دیدار ما، مسوؤل اسلاید کتابخانه غایب بود، و به روز دوم اسلایدهایی را که در کتابخانه بود به لطف تمام آورد، اما اسلاید صفحه پایانی در کتابخانه نبود و به دوست جوانم آقای مهندس محسن فاضلی گفته بودند شاید برای چاپ فهرست کتابخانه به چاپخانه برده باشند.

3. BIBLIOTECA NAZIONALE CENTRALE FIRENZE NARDINI EDITORE  
1989

Carla Guiducci Bonanni

Direttrice Biblioteca Nazionale Centrale